

تأثیر تفکر نظم نوین جهانی بر شکنندگی صلح تا عقلانیت جنگ

مریم وریج کاظمی^۱

^۱ دانش آموخته دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

چکیده

تحولات عمده در رویه حاکمیت و مشروعیت واحدهای سیاسی که در نتیجه ظهور انقلاب صنعتی فرصت بروز پیدا کرد و با عصر ارتباطات و فن آوری های نوین در حوزه رسانه های سمعی و بصری توأم شده بود، فرمول بازی را از شکل وابستگی به فرایندهای داخلی قدرت محلی-بومی به سوی هژمون خواهی جهانی به نفع سیاست محض قدرتهای صنعتی کشاند. این پروسه که منعکس کننده توصیف متفاوت و جدیدی از ماهیت استعمار کهن که بر غلبه تمدن صنعتی بر تمدن انسانی یا تمدن مسیحیت بر غیر مسیحیت تاکید دارد تحت عنوان نظم نوین جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا سیستم نظم نوین جهانی آنطوری که طراحان آن استدلال میکنند استانداردهای لازم و ضمانت های موثر برای تبدیل شدن به یک مسئله هویتی نظام مند جهت برقراری صلح جامع و پایدار میان گروههای مختلف انسانی را داراست؟. بر این اساس نتیجه گیری میشود که اگرچه تعامل بر سر برقراری نظم نوین جهانی در سطح بین الملل در برهه زمانی کوتاه مدتی همچنین در مناطق جغرافیایی خاص، توانست دستاوردهای تاکتیکی موقتی برای تثبیت صلح و ثبات به همراه داشته باشد اما در کلیت، موجب برهم زدن تعادل قوا و فعال سازی جنبش های نژادپرستی، گروههای جدای طلبانه و سازمانهای افراط گرایی ملی-مذهبی شد و عملاً همکاری میان قدرتهای منطقه ای و جهانی را به سمت جنگ و خشونت های سازمان یافته متمایل می سازد.

واژه های کلیدی: نظم نوین جهانی، جنگ، صلح، ارتباطات، انقلاب صنعتی.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

در اعصار گذشته نفوذ سیاسی و اقتصادی که در جهت غارت و چپاول و به بردگی گرفتن ملت های غیر اروپایی صورت گرفت، از طریق ابزارهای نظامی حاصل می شد که در چارچوب استعمار کهن قابل بررسی است، اما پس از انقلاب اول صنعتی و رشد روزافزون تولیدات و نیاز به بازارهای مصرف و فروش، ابزار سلطه گری به کلی دگرگون شد و تحت عنوان نظم نوین جهانی به شکل فریبنده و نرم افزاری، کاربردی گردید. شکی نیست این فرایند به گونه ای طراحی شده تا با کمترین هزینه برای ذی نفعان، بیشترین منفعت را برای بهره وراثش کسب نماید.

بی شک نظم نوین جهانی در پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی قدرتهای صنعتی برای رسیدن به نفوذ اقتصادی-سیاسی نقش اساسی داشته و منجر به نوشتن کتاب و مقالات متنوع از شیوه های اجرایی آن در سطوح ملی-منطقه ای و جهانی شده است، اما آنچه که در مقالات تحقیقی-پژوهشی در خصوص انگیزه ها و قابلیت های بکارگیری نظم جهانی دیده می شود صرفاً بررسی ترتیبات سیاسی و سلسله مراتبی بودن الگوهای پیاده سازی آن در سطح بین الملل است که در این تحقیق صرف نظر از پرداختن به تعاریف و رفتارهای دولتها و بازیگران در مواجهه با این اصطلاح، به تحلیل و ارزیابی ماهیت شکل گیری نظم نوین جهانی پرداخته می شود که در این راستا کنترل و مراقبت از دستاوردهای انقلاب صنعتی و الگوهای پیاده شده برای تغییر ساختار حکومت های ملی-بومی را مدنظر قرار می دهد. در این رابطه سوالی که مطرح می شود این است که آیا سیستم نظم نوین جهانی آن طوری که طراحان آن استدلال می کنند استانداردهای لازم و ضمانت های موثر برای تبدیل شدن به یک مسئله هویتی نظام مند جهت برقراری صلح جامع و پایدار میان گروههای مختلف انسانی را داراست؟؛ این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی همچنین استفاده از مقالات پژوهشی که توسط دانشگاهها و مراکز علمی-پژوهشی منتشر شده، نظم نوین جهانی را به شکل یک ابزار غیرنظامی برای توسعه طلبی و استثمار جدید از ملت ها بخصوص در کشورهای ثروتمند به لحاظ طبیعی و محیطی مورد سنجش و بررسی قرار داده و مبحث جهانی سازی که از مهمترین مولفه های ساختاری نظم جهان است و با عصر صنعتی شدن و فضا سازی طبقاتی پیوند نزدیکی دارد را همگام با عصر ارتباطات و ساختارهای سیاسی-امنیتی و اقتصادی - تجاری مورد ارزیابی قرار می دهد.

۲- طرح مساله

اساس نظم نوین جهانی بر پایه برتری های نژادی، فرهنگی و تکنولوژی تکیه دارد که بدون شک توانمندی های کشورهای صنعتی را دست مایه تشکیل سازوکار های مدرن برای پیاده سازی تفکر امپریالیستی به شکل مسالمت آمیز و تضمینی برای جلوگیری از خشونت فراملی و تعدیل تروریسم و شکل گیری صلح یا توسعه روند ثبات جهانی معرفی می کنند. در این راستا دغدغه های امنیتی در جهت مشارکت یا رقابت بر سر اهداف استراتژیک بلند مدت جهان سرمایه داری برای سیطره بر افکار عمومی که خواهان توسعه اقتصادی-اجتماعی ممالک خود هستند در قالب پروسه نظم نوین یا همسان سازی جهانی متبلور می شود. با این تفاسیر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا سیستم نظم نوین جهانی آنطوری که طراحان آن استدلال می کنند استانداردهای لازم و ضمانت های موثر برای تبدیل شدن به یک مسئله هویتی نظام مند جهت برقراری صلح جامع و پایدار میان گروههای مختلف انسانی را داراست؟.

۳- روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر به بررسی پدیده انقلاب صنعتی و انقلاب ارتباطات به عنوان ریشه شکل گیری نظم جهانی و تبعات آن می پردازد.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱. عوامل ساختاری شکل گیری جهانی سازی

۴-۱-۱. ظهور انقلاب صنعتی و فضا سازی طبقاتی

در بین سالهای ۱۸۴۰-۱۷۶۰م، انگلستان تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی را با عنوان انقلاب اول صنعتی^۱ شروع می کند. در این انقلاب که نقطه عطفی در تاریخ بشریت به حساب می آید، فن آوری نیروی انسانی و حیوانات به ماشین آلات، فرآیندهای تولید جدید شیمیایی و تولید آهن، بهبود کارآیی انرژی آب، استفاده بیشتر از نیروی بخار و توسعه ابزارآلات و صنایع نساجی نقش مهمی را ایفا می کردند. در انقلاب صنعتی زغال سنگ به عنوان زیربنای اختراع و بهبود موتور بخار مطرح می شود و کارگران ممالک استعماری انگلیس نظیر بردگان امریکای لاتین و افریقایی منبع اصلی نیروی کار ارزان و تولیدات کشاورزی مانند پنبه، شکر و دخانیات مواد اولیه تولیدی این انقلاب را شکل دادند. در این طول انقلاب صنعتی استانداردهای زندگی اغلب مردم متحول شد اما فقر هنوز قربانی های خود را داشت. در این زمان میزان مرگ و میر کاهش یافت اما نرخ باروری افزایش یافت که در نتیجه جمعیت به سرعت افزایش پیدا کرد و از این تاریخ شکاف بزرگی بین ثروتمندان و فقرا بوجود آمد.

در این دوره اتحادیه کارگری در برابر شکنجه های مختلف که بر کارگران می رفت شکل گرفت. با این تعبیر در ابتدا سرمایه داری برای ثروتمندان شکل گرفته بود و بعداً سوسیالیسم برای حمایت از کارگران فقیر ایجاد شد. در پایان انقلاب اول صنعتی، فن آوری و کارگران ماهر از انگلیس به برخی دیگر از کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، فرانسه، سوئد و آلمان و ایالات متحده را انتقال داده شدند در نتیجه، توسعه اقتصادی جهانی آغاز شد. بی تردید آغاز عصر اختراعات صنعتی، انقلابهای دوم، سوم، چهارم و غیره را به روی بشر باز کرد که البته اثرات منفی بی شماری را بوجود آورد.

با اختراع موتور بخار توسط آهنگر انگلیسی، توماس نیومن، پیشرفت های چشمگیر فناوری در سال ۱۷۱۲ به وجود آمد. این موتور برای ایجاد نیروی حرکتی و پمپاژ آب از سوخت زغال سنگ استفاده می شد. مهندس مکانیک اسکاتلندی- جیمز وات- که در آزمایشگاه دانشگاه گلاسکوسای انگلیس کار می کرد، موتور بخار نیومن را در سال ۱۷۷۶ بهبود بخشید، که مقادیر انبوهی از انرژی زغال سنگ را به طور کارآمد و اقتصادی مهار می کرد. این اختراع دوران اولیه صنعتی مدرن را در جهان ایجاد کرد که باعث ایجاد انقلاب در منسوجات، معادن، قطار با نیروی بخار، باربری های اقیانوس با بخار، تولید فولاد و سایر فعالیت های اقتصادی-تجاری می شود. این امر باعث گسترش شهرها، صنایع و زیرساخت ها شد.

آدام اسمیت فیلسوف اجتماعی نخستین اقتصاددانی بود که به تشریح کارکردهای اقتصاد مدرن از نظر تخصص و تقسیم کار، معاملات کارآمد بازار و افزایش بهره وری پرداخت. وی از یک نظام اقتصادی مبتنی بر شرکتهای آزاد، مالکیت خصوصی ابزارهای تولید و عدم دخالت دولت دفاع می کرد. چنین اقتصاد مبتنی بر تجارت آزاد و بدون دخالت دولت است. با استفاده از این دکرین صاحبان کارخانه استقلال داشتند که شرایط کار را به هر شکلی که بخواهند وضع کنند در نتیجه مرکانتیلیسم در جامعه اتفاق افتاد. در دوران انقلاب صنعتی متوسط درآمد و سطح زندگی شهروندان عادی افزایش نیافت و کارگران بیشتری در شهرهایی که کارخانه ها رشد می کردند جمع شدند و شهرها به سرعت توسعه یافت. با پیوستن تعداد بیشتری از مردم به کارخانه ها درصد کشاورزان در کل جمعیت کاهش یافت. به نظر می رسد که انقلاب صنعتی فرضیه اصلی تحول علمی قرن هفدهم اینکه انسانها قادر به تسلط بر طبیعت هستند را به اروپائیان ثابت کرد. انقلاب صنعتی دنیای نظری اروپا را متحول و ایجاد یک پرولتاریا صنعتی و یک نیروی کاملاً جدید از توسعه یک طبقه متوسط ثروتمند صنعتی (بورژوازی) با چالشی طولانی مدت را به وجود آورد. با این حال بورژوازی تقاضای بیشتری داشت و از سوی دیگر نقش مهمی در امور ایالتی و مدیریت ایفا میکرد.

از سوی دیگر انقلاب صنعتی در ایالات متحده امریکا تنها بیش از یک قرن گذشته اتفاق افتاد. ساموئل اسلاتر فن آوری های جدید تولیدی را از انگلیس به ایالات متحده آورد و اولین کارخانه پنبه ایالات متحده را در بورلی ماساچوست تأسیس کرد. پس

¹- Industrial revolution (IR)

¹- Bkgr, dennis, The Industrial Revolution and Its Impact on European Society, CHAPTER 20, <https://webpages.cs.luc.edu/~dennis/106/106-Bkgr/20-Industrial-Rev.pdf>, pp608-582

از جنگ داخلی صنعتی سازی در شهرهای بزرگ ایالات متحده با سرعت بی نظیری افزایش یافت. این دوره که شامل بیشتر نیمه دوم قرن نوزدهم است به عنوان دومین انقلاب صنعتی یا انقلاب صنعتی آمریکا نامیده شد. در این دوران تولید کالاها که عموماً با دست و نیروی انسانی انجام میشد از مشاغل خانگی حذف شد و با کمک ماشین آلات در کارخانه ها انجام میگرفت. این انقلاب که شامل تغییرات عمده در حمل و نقل، تولید و ارتباطات می شد زندگی روزمره آمریکایی ها را به همان اندازه و احتمالاً بیشتر از هر واقعه دیگر در تاریخ ایالات متحده متحول کرد.

تکمیل اولین راه آهن بین قاره ای در سال ۱۸۶۹ یک نقطه عطف مهم بود که حمل و نقل مردم، مواد اولیه و محصولات را آسان تر می کرد. ایالات متحده همچنین از منابع انسانی گسترده ای برخوردار بود: بین سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۹۰۰ چهارده میلیون مهاجر به ایالات متحده آمدند و کارگران یک مجموعه صنایع را تاسیس کردند. اندرو کارنگی اولین کارخانه های تولید فولاد را در ایالات متحده تاسیس کرد تا از "فرایند بسامر" بریتانیا برای تولید انبوه فولاد استفاده کند و تبدیل به یک ابرقدرت در صنعت فولاد شود. او منافع تجاری را در معادن تولیدکننده مواد اولیه فولاد به دست آورد و مشاغل جدید برای طبقه کارگر را در شهرها بوجود آورد. بنابراین انقلاب صنعتی در ایالات متحده انتقال نیروی کار را از نواحی روستایی به جامعه شهری آغاز کرد. جوانان پرورش یافته در مزارع فرصت های کاری بیشتری را در شهرها مشاهده و به آنجا مهاجرت کردند مانند میلیون ها مهاجر از قاره اروپا. تأمین مسکن برای همه ساکنان جدید شهرها یک مشکل بود و بسیاری از کارگران در محلات فقیرنشین شهری زندگی می کردند. فاضلاب های باز در کنار خیابان ها جاری بود و آبرسانی غالباً آلوده به مواد رنگی حاصل از کارخانجات صنعتی باعث بیماری می شد. این شرایط اسفناک شهری موجب جنبش ترقی خواه در اوایل قرن بیستم شد. در نتیجه بسیاری از قوانین جدید برای حمایت و پشتیبانی از مردم شکل گرفت و سرانجام رابطه دولت و مردم تغییر یافت.^۱

بی شک توسعه اروپا مدرن بین دهه ۱۷۸۰ و ۱۸۴۹ تحول اقتصادی بی سابقه ای بود که پذیرای اولین مراحل انقلاب بزرگ صنعتی و گسترش عمومی تر فعالیت های تجاری شد. در بین سالهای ۱۷۵۰ و ۱۸۰۰ جمعیت کشورهای بزرگ بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافت به ویژه در نتیجه استفاده از محصولات غذایی جدید مانند سیب زمینی و کاهش موقت در بیماری های واگیر دار. صدها هزار تولیدکننده روستایی به طور تمام وقت یا نیمه وقت کار کردند تا نخ و پارچه، میخ و ابزار را تحت حمایت مالی بازرگانان شهری بسازند. کار صنایع دستی در شهرها به سمت تولید برای بازارهای دور دست شروع به تغییر کرد و باعث شد صاحبان کارگاههای تولیدی بخواهند با کارگران خود بر سر مهارت و تفاوت دستمزدها رفتار متفاوتی داشته باشند. در این زمان ساختار اجتماعی اروپا به سمت یک تقسیم اساسی اعم از روستایی و شهری تغییر یافت. بطوریکه با افزایش تولید در اواخر قرن ۱۸ میلادی به موج اول مصرف گرایی منجر شد زیرا کارگران روستایی شروع به خرید انواع جدیدی از لباس های تولید شده تجاری کردند در حالی که خانواده های طبقه متوسط شهری علاقمند به پرداختن سلیقه های جدید مانند خواندن و نوشتن کتاب، آموزش موسیقی و تولید اسباب بازی برای کودکان بودند.

در این دوران اختلافات طبقاتی در جنبشهای اعتراضی خود را نشان داد. افراد طبقه متوسط به امید به دست آوردن حقوق جدید علیه انحصار اشرافیت به اعتراضات سیاسی پیوستند. با وجود این واقعیت که قوانین جدید سازمانهای و اتحادیه ها و اعتصابات را غیرقانونی اعلام کرد، کارگران بطور فزاینده ای سازماندهی شدند. برخی از کارگران به اسم سنت های قدیمی تر و انسانی تر کار به ماشین آلات حمله کردند. اعتراضات از این نوع در انگلیس در طول دهه ۲۰۱-۱۸۱۰ آغاز شد. تعداد بیشتری از کارگران به عضویت اتحادیه های کارگری اولیه درآمدند که خواستار شرایط بهتر و همچنین ارائه کمک های متقابل در موارد بیماری یا مشکلات دیگر بودند. با این وجود شکاف اجتماعی قابل توجه شد. این امر به طور فزاینده ای بر الگوهای مسکونی تأثیر گذاشت زیرا طبقات ثروتمندتر بر خلاف معمول در محله های شهرهای پیش از دوران صنعتی شدن، از شلوغی های نواحی فقیرنشین دور شدند. افراد طبقه متوسط از کار و عاداتهای روزمره گی بسیاری از کارگران ابراز ناراحت کردند و اظهار داشتند که رفتار بد آنها دلیل اصلی فقر است. دولت های شهری اقدامات سختگیرانه ای علیه گدایان و فقرا و حتی محلات

¹ The Industrial Revolution in the United States, http://www.loc.gov/classroommaterials/primarysourcesets/industrial-revolution/pdf/teacher_guide.pdf, pp1-7

فقیرنشین اتخاذ کردند. همراه با تأثیر آن بر الگوهای روزمره زندگی و نهادهای خانوادگی، تحولات اقتصادی شروع به تغییر ساختار اجتماعی اروپا و ایجاد تضادهای جدید در بین طبقات اجتماعی شهری کرد. بخش کلیدی بین اعضای طبقه متوسط به صاحب مشاغل با تحصیلات حرفه ای و افراد طبقه کارگر که به فروش کارگران برای کارمزد بستگی داشتند، تشکیل شد ضمن اینکه هیچ یک از گروه ها یکدست و یکصدا نبودند. بسیاری از افراد طبقه متوسط از رفتار سودجویان صاحبان کارخانه جدید انتقاد کردند. صاحبان کارخانه ها غالباً کارگران را نادیده می گرفتند و بر اساس اعتبار سنتی و سواد بیشتر بین شان تمایز قائل می شدند. در این میان برخی از کارگران ماهر با دستمزد خوب از افراد طبقه متوسط تقلید کردند و به دنبال تحصیل و یادگیری ابزارهای لوکس مانند پیانو و سایر ادوات موسیقی رفتند.

اما تأثیرات منفی صنعتی شدن منجر به افزایش فعالیت های سازمان یافته و حقوق شهروندان می شد که بر حقوق کارگران و بهبود کیفیت زندگی در جوامع متمرکز گردید. تصور می شد پادزهر نهایی جنگ و اغتشاش، دموکراسی در سطح جهان باشد. فعالیت مداخله‌گرانه عواقب ناخواسته مانند متمرکز کردن قدرت دارد و باعث ایجاد تنش می شود. از این رو تأثیرات انقلاب صنعتی مسئله مهمی در لیبرالیسم کلاسیک است که تقسیم کار و شهرنشینی در آن یک فاجعه محسوب می شد، این در حالی بود تصور می شد فقط اتحادیه های کارگری می توانند شرایط افراد شاغل را بهبود بخشند و اقتصاد را بر اساس عدالت استوار نمایند. با این حال تمام اقتصادهای پیش از انقلاب صنعتی مشمول محدودیت های "مالتوسیایی" بودند.

مالتوس خاطرنشان کرد: در تمام تاریخ شناخته شده تأمین نیازهای اساسی جمعیت یعنی مواد غذایی، پوشاک، سرپناه و انرژی تقریباً به مقدار و کیفیت زمین موجود بستگی داشت (Vries, 2008:158). موضوعی که پس از انقلاب صنعتی به دلیل استفاده بیش از منابع طبیعی و آسیب های فراوان به محیط زیست عملاً تأمین نیازهای اساسی به چالش بزرگ برای دولت‌ها تبدیل شد. اما یکی از ویژگی های مهم انقلاب صنعتی توانایی بسیار فزاینده آن برای پیشرفت تکنولوژی است. چراکه حرکت زودهنگام عصر کشاورزی به سمت سرمایه داری، سهم مهمی در رشد و عدم تمایل به تلاش های خلاقانه ناشی از فرصت ها و محدودیت های علم و فناوری و کاستی های قانونی دارد (Crafts, 2005:1-24).

از عصر انقلاب صنعتی تاکنون انسان توانسته اعمال نفوذ قابل توجهی بر نظام طبیعت داشته باشد؛ خطر جبران ناپذیری که ناشی از سوء مدیریت در بخشهای صنعتی بوده و باعث تغییرات در نظام طبیعت شد و چنین سیستمی باعث بوجود آمدن تغییرات در سبک زندگی مردم و روی آوردن آنها به فضاهای بکر جغرافیایی در اعماق مناطق جغرافیای خاص نظیر دریاها و اقیانوس ها و حتی کرات آسمانی شده است. نگاه تک بعدی به نظام طبیعت که صرفاً تکمیل کننده نیاز مادیست در این راستا قابل تامل است (وریج کاظمی، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه انقلاب دوم صنعتی از دهه ۱۸۷۰ به بعد که نقش فولاد، صنایع شیمیایی و الکترونیسته در آن برجسته تر بود اما انقلاب سوم صنعتی که در قرن بیستم رخ داد با ظهور خودروها و موتورپها بود که پس از آن عصر ارتباطات با تمام فن آوری های نوین و مدرن آغاز گردید.

۲-۱-۴. ظهور انقلاب ارتباطات و توسعه بحران و تنش

اولین انقلاب صنعتی در سال ۱۷۶۰ با اختراع موتور بخار آغاز شد. موتور بخار امکان انتقال از جامعه کشاورزی و فئودالی را به فرآیند تولید جدید داد. این انتقال شامل استفاده از زغال سنگ به عنوان انرژی اصلی در حالی بود که قطارها وسیله اصلی حمل و نقل بودند. نساجی و فولاد از نظر اشتغال، ارزش تولید و سرمایه گذاری صنایع غالب بودند. دومین انقلاب صنعتی در سال ۱۹۰۰ با اختراع موتور احتراق آغاز شد. این امر به یک دوره صنعتی شدن سریع با استفاده از نفت و برق برای تولید انبوه منجر شد. سومین انقلاب صنعتی در سال ۱۹۶۰ آغاز شد و با پیاده سازی الکترونیک و فناوری اطلاعات برای خودکارسازی تولید مشخص شد. چهارمین انقلاب صنعتی اکنون شامل رایانه است. طراحی محصول تولید شده و چاپ سه بعدی که می تواند با ساخت لایه های پی در پی از مواد، جسم جامد را ایجاد کند. بدون شک، توانایی پیشرفت فن آوری که از آخرین انقلاب

²⁻ The Industrial Revolution Economic effects/https://www.britannica.com/history-of-Europe/Social-upheaval

صنعتی حاصل می شود، این پتانسیل را دارد که حتی در هر جنبه از زندگی ما پیشرفت هایی بزرگتر و بزرگتر از سه انقلاب اول صنعتی جمع کند. از طرف دیگر چالش های گوناگونی وجود دارد که ناشی از چهارمین انقلاب صنعتی برای غلبه بر آن است. نابرابری درآمد، امنیت سایبری و معضلات اخلاقی در فن آوری و پیشرفت علوم رایانه ای باعث تحول در جهان می شود که از مزایای انقلاب صنعتی چهارم است. آنها تأثیرات مفیدی بر جوامع، مؤسسات و اقتصادها ایجاد می کنند و روشهایی را که در آن زندگی می کنیم، کار می کنیم و با یکدیگر تعامل می گیریم را متحول می سازند. درک این فن آوری های جدید و پتانسیل اختلال در آنها برای همه ملل و به ویژه کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است. از این رو انقلاب صنعتی چهارم بیشتر از سه انقلاب قبلی ممکن است از جهات مختلفی بر جامعه و اقتصاد تأثیر بگذارد^۱.

دسترسی فوری به اطلاعات از طریق ارتباطات بی سیم در راستای توسعه اقتصاد جهانی، انقلاب ارتباطات را بوجود آورد از این رو ظهور انقلاب ارتباطات در قرن بیست، تأثیرات گسترده ای را در جامعه به وجود آورد. این تأثیرات نه تنها در محیط کار بلکه در زندگی شخصی انسانها نیز رواج دارد (Utschig, 2001). ارتباطات یک ساختاری اجتماعی است و محصولی از تجربه های مادام العمر و مادی و به تبع آن مانند تمام هویت های ساخته شده اجتماعی دارای فرمی عینی و ذهنی می باشد (Putten, 2001: 17-21).

انقلاب ارتباطات می تواند به عنوان یک فرآیند کلان تاریخی، قابل مقایسه با انقلاب صنعتی باشد که در دوران مدرن هم پیامدهای دائم و برگشت ناپذیر داشته است. انقلاب ارتباطات، مانند انقلاب صنعتی در اوایل دوره مدرن آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. توسعه خدمات از راه دور باعث ایجاد درک جدیدی از فضا و زمان شد. چنین خدماتی امکان حرکت سریعتر مردم، کالاها و اطلاعات را فراهم می آورد. نقش رسانه ها، کتاب، روزنامه در انتشار سریع اطلاعات و اخبار بی بدلیل است، بنابراین می توان ادعا کرد که انقلاب ارتباطات حرکتی است که امکان شکل گیری زیرساخت های دنیای مدرن، روزنامه ها، نقشه برداری و حوزه عمومی سیاست، جنگ و دیپلماسی را فراهم می کند. مفهوم یک انقلاب ارتباطات شامل انقلابهای رسانه ای کوچکتر است که به آسانی به یک دوره تاریخی خاص نسبت داده می شود و تا حد زیادی به هم وابسته هستند (Behringer, 2006: 3-24). بسیاری از فن آوری های جدید جنبه تعاملی دارند، از این رو مدل های خطی فرآیند ارتباطات، بر اساس یک عمل واحد ارتباطی، نامناسب هستند. شاید مدل های همگرایی ارتباطات که ارتباطات انسانی را به عنوان تبادل اطلاعات در بین شرکت کنندگان تلقی می کند در بررسی سیستم های جدید ارتباطی تعاملی با ارزش تر باشند. ظهور رسانه های اجتماعی یکی از جدیدترین مظاهر انقلاب محاسبات و ارتباطات دیجیتال هستند که دوران پسا صنعتی یعنی عصر اطلاعات را وارد مرحله موثری کردند. با رشد سریع تلفن های هوشمند مجهز به اینترنت در سراسر جهان، رسانه های اجتماعی منبع اصلی خبری هستند؛ در سال ۲۰۱۶، ۶۲٪ از شهروندان ایالات متحده آمریکا اخبار خود را از کانال های رسانه ای اجتماعی فیس بوک دریافت کردند. نظرسنجی بین پنجاه هزار نفر از بیست و شش کشور جهان نشان می دهد رسانه های اجتماعی در حال حاضر از تلویزیون به عنوان منبع اصلی اطلاعات نسل آینده پیشی گرفته اند.

این تحول چشمگیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه های آموزش، اقتصاد و همچنین سیاست تاثیرگذار است چراکه تغییر ارتباطات، محاسبات و الگوهای ذخیره اطلاعات و مفاهیمی چالش برانگیز مانند حریم خصوصی، هویت و مرزهای ملی را متاثر می کند. علاوه بر این رسانه های اجتماعی فرصت های جدیدی را برای ایجاد اختلال در نظم لیبرال دموکراتیک جهان با سوءاستفاده از باز بودن ذاتی دامنه سایبر فراهم می نماید، اگرچه رسانه های اجتماعی برای تولید و ترویج علم و فن آوری مفید باشند (Leonardi, 2017: 47-59). اما بیشترین نحوه بکارگیری آن در بحران و درگیری نمود می یابد چراکه رسانه های اجتماعی بطور بسیار موثری می توانند توسط سازمان های تروریستی به عنوان ابزاری برای تبلیغات و جذب نیرو بکار گرفته شوند. آنها از سوی دولتهایی که به دنبال تأثیرگذاری و تضعیف دموکراسی های لیبرال در نهادهای دولتی و ساختار اجتماعی

¹ Civil Society in the Fourth Industrial Revolution: Preparation and Response

هستند مورد استفاده قرار می گیرند. این امر به عنوان «سلاح» رسانه های اجتماعی معروف شده است (Cordy, 2017:1-20). بر این اساس رسانه های اجتماعی تأثیرگذار بر انقلاب ها و شورش های خیابانی هستند. انقلاب اوکراین نشان داد که تظاهرکنندگان اغلب برای اطلاع رسانی به دیگران و یا ارائه دیدگاه خود در مورد موضوعات مختلف و حتی تشویق دیگران برای پیوستن به اعتراض و غیره مطالب را در رسانه های اجتماعی به اشتراک می گذارند.

حتی انقلابی که از تونس آغاز شد و سراسر جهان عرب را درنوردید توسط رسانه های اجتماعی توانمند شد چراکه رسانه های اجتماعی با آگاهی دادن به مردم درباره وقایع اعتراضی به شهروندان تونسی کمک کردند تا بر اقتدارگرایی دولت مرکزی غلبه کنند. بدین شکل رسانه های اجتماعی بر نحوه یادگیری افراد در مورد آینده جریانات اعتراضی تأثیر می گذارند (Khomko ۲۰۱۵:۱-۱۰۸). در طول دو دهه گذشته نقش سیاسی اینترنت و رسانه های دیجیتالی اجتماعی به عنوان مبحث تحقیقاتی در ارتباط با مشارکت سیاسی تبدیل شده است. نقش برجسته اینترنت در انتشار اعتراضات مردمی در سراسر جهان عرب و برکناری رژیم های استبدادی در تونس و مصر بحث را در مورد پیامدهای رسانه های اجتماعی برای استراتژی های سیاسی و الگوهای انتشار اعتراضی و تأثیرگذاری بر تعامل سیاسی فردی تقویت کرده است (Breuer, 2012:1-31).

بی شک شبکه های اجتماعی نقش مهمی در ارتقاء سطح فکر سیاسی طبقه متوسط شهری برعهده دارند و به عنوان زنجیره ای از برنامه های مبتنی بر اینترنت که پایه های ایدئولوژیک و فناوری وب را بنا می کنند و امکان ایجاد و تبادل محتوای تولید شده توسط کاربر را دارند، تعریف می شوند (Kaplan, 2015:197). رسانه ها مانند سایر نهادهای اجتماعی و سیاسی در دستیابی به اهداف صلح نقش برجسته دارند و می تواند به اندازه نهادها و روندهای اجتماعی قدرتمند باشند و به نهادهای حقوقی، سیاسی، اقتصادی و سایر نهادهای اجتماعی در تغییر درگیری کمک کنند. رسانه ها را باید به عنوان بخش کاملی و مهم توسعه صلح درک کرد.

رسانه ها سکوهایی هستند که از طریق آن ارتباط از شخص به شخص دیگر یا از یک مکان به مکان دیگر منتقل می شود. رسانه میتواند مدیریت بازاریابی انجام دهند و این امر مشارکت شهروندان در سیاست را تحریک می کند. از جمله این موارد ثبت نام اعضای حزب سیاسی، ثبت نام رای دهندگان، انتخابات و مبارزات انتخاباتی، مدیریت انتخاباتی، از عمده فعالیت های سیاسی است. چهار نوع عمده رسانه وجود دارد اعم از: رسانه های سنتی، رسانه های چاپی، رسانه های الکترونیکی و رسانه های اجتماعی. تاریخ رسانه های جمعی از مبارزات انسان برای آزادی و سرچشمه گرفته است. آزادی سیاست ظرفیت دستیابی به قدرت و کاربرد آن برای اداره دولت و تأثیرگذاری بر تخصیص منابع انسانی و جسمی آن به نفع دولت است. در این صورت می توان نتیجه گرفت که اهمیت رسانه در سیاست بسیار زیاد و برای همه با تأثیرات توسعه بر سیاست سودمند است و معمولاً از طریق روند دموکراتیک و انتخاباتی انجام می گیرد (Sanyaolu, 2017:13).

در طی سالیان آتی همه اشکال رسانه های مصرفی به صورت دیجیتالی در می آیند و باعث ایجاد انقلابی در موسیقی، تلویزیون، فیلم و عکاسی همچنین تغییر در نحوه دریافت تصاویر و نحوه ذخیره آنها، استفاده و پرداخت هزینه برای آنها خواهند شد. از آنجا که این عرضه های دیجیتال سهم فزاینده ای از هزینه های مصرف کننده را به خود جلب می کند محصولات و خدمات رسانه های سنتی مطمئناً می تواند دست و پا گیر باشند (Peck, 2001:1-10). رسانه های اجتماعی با تحول در فناوری و اپلیکشن ها و انواع گجت ها همچنین افزایش سریع دسترسی در سرتاسر جهان به یک پدیده خارق العاده برای ارتباطات و همگرایی در حوزه های تجاری، ارتباطی و بازاریابی تبدیل شده اند. امروزه رسانه های اجتماعی به بخشی جدایی ناپذیر از صنعت بزرگ رسانه تبدیل شده که شامل اخبار، بازاریابی یا تبلیغات است. بی تردید انقلاب رسانه های اجتماعی به تغییر در روزنامه نگاری و سازمان های خبری ادامه خواهد داد. رسانه های اجتماعی به عنوان ابزاری قدرتمند به سمت تغییر دیجیتالی در حرکتند. امروزه رسانه های اجتماعی اشکال مختلفی از جمله مجلات، انجمن های اینترنتی، وبلاگ های اجتماعی، میکروبلوگینگ، ویکی ها، پادکست ها، عکس، تصاویر ویدئو، رتبه بندی و نشانه گذاری های اجتماعی را به خود

¹ Bratic, Vladimir: Examining peace-oriented media in areas of violent conflict/<https://www.sfcg.org/>

اختصاص داده اند و به بخشی جدایی ناپذیر از رسانه های اصلی تبدیل شده اند، در نتیجه سیستم عامل های مختلف رسانه های اجتماعی مانند توئیتر، فیس بوک، یوتیوب، اینستاگرام و... ایجاد شدند که می توانند نحوه تولید، مصرف و توزیع رسانه ها را تغییر دهند.

بخش بزرگی از مردم در سراسر جهان از سیستم عامل های رسانه های اجتماعی برای اتصال، یادگیری و تغییر اطلاعات استفاده می کنند. انواع تولید کنندگان و رقبا دسترسی آسان به پلن های بازاریابی دیجیتال، فروش و توزیع دارند و از این طریق کیفیت و قیمت کالاها و خدمات را متعادل میسازند و مصرف کنندگان بیشتر در زنجیره های تولید و توزیع مشارکت می کنند. تأثیرات اصلی این انقلاب بر فضای کسب و کار تأثیر آن بر انتظارات مصرف کننده، کیفیت محصول، حرکت به سمت نوآوری مشارکتی و نوآوری در اشکال سازمانی است (Min Xu, 2018:90-95).

افزایش سرعت تغییر در شغل و ایجاد شغل جدید - از جمله اشکال جدید کار - و مهارت در آن کار ویژگی کلیدی به هم پیوسته ای هستند که بر چگونگی رشد و عصر ارتباطات در جهان تأثیر می گذارد. علاوه بر این سیستم های مهارت آموزی بزرگسالان در اکثر اقتصادها به سرعت در حال تعدیل در زمینه جدید برای نیروی کار است. هنجارهای فرهنگی قدیمی و منسوخ اما غالب و بی تحرکی نهادی باعث ایجاد انسداد مسیرهای ارتباطی جدید می شود. این پویایی ها بیشتر تحت تأثیر عوامل جمعیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی قرار می گیرند و نتایج آنها چالشی برای مشاغل، دولت ها و افراد در سراسر جهان است. امروزه این روند به گونه ای است که مصرف کنندگان یا مخاطبان ایده ها و موضوعاتی را نظیر عکس های ویدیویی یا فیلمبرداری جلوه هایی را در بولتن های تلویزیونی و یا تیتراهایی را در صفحات اول روزنامه ها بوجود می آورند همچنین وبلاگ نویسان در حال تعریف مجدد روزنامه نگاری و خبرنگاری هستند. اطلاعات قدرت دارند اما اطلاعات نادرست با امکان گمراه سازی می تواند به همان اندازه قدرتمند و بالقوه فاجعه بار باشند. رسانه ها می تواند باعث ایجاد اعتبار و یا بی اعتبار شوند و بر تعادل مالی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در سراسر جهان تأثیر بگذارد (Mishra, 2017:10). بدین ترتیب با تغییر در اقتصاد جهانی و افزایش دسترسی به شبکه های ارتباطی و حمل و نقل، تعداد مهاجران در سراسر جهان طی دهه های گذشته به طرز چشمگیری افزایش یافت و تأثیر گسترده ای در تمام حوزه های زندگی از جمله محل کار، محیط های همسایگی و ملل برجای می گذارد (Ramos, 2016:2-45).

۲-۴. نظم نوین جهانی؛ ساختار و عملکرد

۱-۲-۴. ساختارهای سیاسی-امنیتی در پروسه نظم نوین جهانی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عنوان یکی از دو بنیان نظام دو قطبی و پایان یافتن جنگ سرد، انگاره های سیاسی و دیدگاه های نظری متعددی در تلاش برای تبیین شرایط متحول و نوین بین المللی و ناظر بر فرآیند تغییرات جهانی سربرآوردند. رویکردهای جدید هر کدام در عین تشریح و بررسی چرایی جهان نو سعی کردند نقشه جهانی تازه ای برای پایدار نمودن صلح و کاهش منازعات و تهدیدات به پائین ترین سطح ممکن ترسیم کنند. پایان تاریخ و هژمونی لیبرال دموکراسی، برخورد تمدن ها، جهانی سازی و تجدید سازمان گفتمان شمال و جنوب از جمله مهمترین رویکردها و نظریه هایی می باشند که هر کدام با تبیین ژئوپلیتیک و زیر ساخت های مربوط به خود وجهی خاص از جهان پیچیده و در هم تنیده معاصر را مورد بازکاوی قرار داده اند. در این میان «ساموئل هانتینگتون و فرانسیس فوکویاما» نظریه پردازان آمریکایی با ارائه نظریه های «برخورد تمدن ها و پایان تاریخ» آغازگر نظریه پردازی های جدید برای تبیین شرایط نوین بین المللی برای بستر سازی نظم نوین جهانی بودند.

²⁻ Realizing Human Potential in the Fourth Industrial Revolution An Agenda for Leaders to Shape the Future of Education, Gender and Work, 2017, pp3-38/http://www3.weforum.org

یک کارشناس مسائل ژئوپلیتیکی نظم نوین جهانی را اینطور به تصویر می کشد که بروز این استنباط در برخی محافل سیاسی ایالات متحده امریکا که پس از سقوط جهان دوقطبی خلاء در نظام جهانی پدید آمده است، برخی از آنان را بر آن داشت تا ایده های را که درباره چگونه پرکردن این خلاء و چگونه شکل دادن به نظام ژئوپلیتیک جهان پیش کشند اینکه جهان سیاسی فرآیند تحت عنوان "نظام نوین جهانی" در آن تاریخ را به پایان خواهد برد. این ایده های امریکایی در حال پیگیری می شود که جهان سیاسی آثار و نشانه های از حرکت عمومی دگرگونی ها در نظام ژئوپلیتیک در راستای پدید آمدن یک نظام چند قطبی دارد، نظامی که رقابتهای اقتصادی در آن جایگزین رقابتهای ایدئولوژیک می شود و چیره شدن نظام اقتصاد بازار آزاد (کاپیتالیسم مطلق) بر ژئوپلیتیک جهانی نیاز به مطالعه جهان ژئوپلیتیک شکل گیرنده قرن بیست و یکم را پیش می کشد تا با اقتصاد جهانی شده و جهان اقتصادی شده در دیدگاههای ویژه ژئوپلیتیک نوین آشنایی بیشتر و بهتری حاصل آید.

برخی از سیاستمداران امریکایی در برداشت خود از نظام نوین جهانی می کوشند نظامی تک قطبی را بر جهان چیره سازند که برخورد تمدنها در آن ایالات متحده را در بالای هرم سلسله مراتبی قدرت قرار داده و نقش ژاندارم جهانی را از آن وی سازد. راست گرایان افراطی در باختر زمین معانی تازه ای برای واژه هایی چون واژه تمدن آفریده اند تا طعمه های کهنه سروری خواهی جهانی را به روبنهایی تازه بیاریند. نسل تازه ای از فرضیه پردازان سیاسی در ایالات متحده حتی کوشیده اند تا ایده تجدید حیات تمدن امریکایی را پیش کشند که یک سره بر گرایشهای نژادی و برتری خواهی های تمدنی استوار است. گستره مفهوم واژه تمدن نزد این افراد از محدوده تفاوتهای دینی و نژادی فراتر نمی رود. هنرها، ادبیات، علوم، تکنولوژی و دیگر پدیده های فرهنگی از میراث مشترک انسانها در این تعریف ویژه از مفهوم و واژه تمدن راه ندارد، چرا که اگر این جنبه های فرهنگی نیز در نظر گرفته شوند واژه تمدن دیگر نمی تواند به عنوان عامل تقسیم کننده فرزندان آدم در طبقه بندی های دینی و نژادی مورد بهره گیری قرار گیرد.

هر دو گروه از سیاستمداران و دانشگاهیان امریکایی که دو ایده نظام نوین جهانی و برخورد تمدنها را پیش کشیده اند در سفسطه ای باور نکردنی برای پیشرفت دادن به ایده های خود کوشیده اند تا فرهنگ را جدا از تمدن قلمداد کنند و تفاوتی مفهومی و کاربردی میان این دو در نظر گیرند. با بهره گرفتن از ابزار ایدئولوژیک این گونه، هر دو دسته از سیاستمداران و دانشگاهیان یاد شده سرگرم نهادینه ساختن مفهوم نظام جهانی تازه ای از دسته بندی های تمدنی هستند که سرانجام ایالات متحده امریکا را در مقام تعیین کننده سرنوشت جامعه بشری قرار خواهد داد. ساموئل هانتینگتن در این باره می گوید: مسائل امنیتی و سیاسی جهانی عملاً در راستای مدیریت و کنترل ایالات متحده امریکا، بریتانیا و فرانسه حل و فصل می شود و مسائل اقتصادی جهان در راستای مدیریت و سروری ایالات متحده امریکا، آلمان و ژاپن رسیدگی می شود و این کشورها نزدیکی فوق العاده ای را به دور از دخالت دیگر کشورهای غیر غربی با هم حفظ می کنند. تصمیماتی که در شورای امنیت سازمان ملل متحد یا صندوق بین المللی پول گرفته می شود بازگوینده منافع غرب است، ولی به گونه ای به جهان عرصه می شود که گویی خواسته جامعه بین المللی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۷۲).

اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا در دهه سی میلادی جمله نظم نوین جهانی را در مباحث سیاسی و ژئوپلیتیکی به پیش کشیدند و به آن عمل کردند. بر طبق اسناد و مدارک علت پیدایش این جمله رشد اقتصادی بسیار بالایی بود که این دو کشور در آن سالها به آن دسترسی پیدا کردند و چون نتوانستند آنرا ادامه دهند بنابر شرایط خاصی که بوجود آمد آنرا متوقف ساختند، به همین دلیل دهه شصت را باید دهه بن بست مسائل استراتژیک دو ابرقدرت در بعد نظامی، اقتصادی بدانیم و سرانجام قدرتهای جهانی در اواخر دهه شصت با بحران اقتصادی شدیدی مواجه شدند و عملاً در رابطه با استراتژیهای نظامی به بن بست کامل رسیدند که آنرا انقلاب جهانی نامیدند. همین رویدادهای دهه شصت بود که در اوائل دهه هفتاد نخبگان دو قدرت بزرگ جهانی را به دور هم جمع کرد تا به دنبال راهکار معقولی بر آیند لذا دهه هفتاد را باید آغازی برای تصمیم گیریهای استراتژیکی در جهت تغییر نظام سیاسی بین المللی بدانیم. بدین ترتیب نظام نوین جهانی را اگر به طور سیستماتیک بخواهیم دنبال کنیم بهتر است دهه ۷۰ میلادی را مبنای عملی و جهانی آن بدانیم.

به باور بسیاری از کارشناسان مسائل استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، پدیده نظم نوین جهانی یک تعبد استراتژیکی که ۷۰ سال تجربه را پشت سر گذاشته است بنابراین امکان شکست آن بسیار کم است و آنچه را که امروزه تحت عنوان شکست جهانی شدن از آن بحث می شود در واقع یک تغییر تاکتیکی است نه شکست استراتژیکی.

در صحنه پیاده شدن استراتژی جهانی هر اندازه تعداد بازیگران کمتر باشد زودتر به نتیجه دلخواه می رسد چراکه یکی از ویژگیهای نظم نوین جهانی محدود بودن بازیگران بین المللی و تخصصی بودن شرح وظایف هر یک از بازیگران در صحنه بین المللی است، از این رو نیاز به اجرا در صحنه عملیاتی ویژه ای داشت به همین دلیل نظریه ژئوپلیتیکی پخش پدیده ها مک هول که در دهه پنجاه م مطرح شد مورد استفاده قرار گرفت. مک هول معتقد بود که وقتی شما می خواهید پدیده ای را مانند اخبار کذب (شایعه) و یا مد لباس پخش کنید مکانهای جغرافیایی خاصی برای آن وجود دارد که با حداقل هزینه و حداقل زمان شما می توانید پخش و ترویج نمایید. در واقع این تفکر جهانی که امروزه تحت عنوان جهانی شدن از آن نام می برند هدفش اینست که ژئوپلیتیک کشورها را آنقدر باز کنند که کسی نتواند در آن دستکاری نماید (عزتی، ۱۳۹۱).

برای مدت کوتاهی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بسیاری از دانشگاهیان غربی ظهور نظم نوین جهانی را جشن گرفتند و با نگاهی مثبت به سمت یک سیستم بین المللی دموکراتیک حاکم بر حکومت نگاه کردند اما واقعیت آن است که وقوع جنگ و درگیری مسلحانه در سیستم بین المللی کم نشده است (Robinson, 2019: 557). آشکار شدن انقلاب ارتباطات با خود تغییرات اساسی و پیچیده ای را بر نظم جهانی وارد کرد که بیشتر به ماهیت نهادها و تعامل میان بازیگران کلیدی بستگی دارد. در طول قرن بیست و یکم به ویژه پس از بحران سال ۲۰۰۸ بیش از پیش با چنین برداشتی از نظم در حال تغییر جهانی مواجه می شویم. افزایش خطر نابرابری و ایجاد شکاف بین گروه های داخلی-ملی و عدم صلح بین المللی و افزایش بالقوه خطر انواع جنگ ها (از جنگ های تجاری، گرفته تا جنگ های سرد، جنگ های ترکیبی و جنگ های سایبری) به دلیل ظهور انواع جدید اسلحه یا ابزارهایی که می توانند برای بی ثبات سازی، تضعیف یا کنترل دشمنان استفاده شوند، جهان را با چالش عمده مواجه کرده است. دموکراسی و ارزشهای اخلاقی سنتی از طریق پتانسیل تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم گیری توده های وسیعی از مردم بر درک آنها از واقعیت و توانایی آنها در تجلی اراده آزاد خود تأثیر می گذارد (Bonciu, 2019: 51-62). از سوی دیگر از جامعه مدنی خواسته می شود تا در حل چالش های جهانی، حمایت از حقوق بشر و تقویت گفت و گوهای لازم در مورد موضوعات اجتماعی-فرهنگی، نقش اصلی را ایفا کنند چراکه یک جامعه مدنی آگاه تر و مبتکرتر بهتر می تواند انقلابی دیگر در عصر ارتباطات و فن آوری های دیجیتال بوجود آورد. رویکردهای فراگیر و مشارکتی در زمینه نوآوری و فناوری و ماهیت تحولات تکنولوژی، همراه با سایر فشارهای اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی در این راستا عمل می نمایند^۱.

با اینکه اولین بار جورج بوش پدر عبارت نظم جهانی نوین را به شکل کلید واژه وارد گفتمان سیاسی جهان کرد اما این موضوع مسئله جدی برای عموم مردم نبود و پس از پایان جنگ خلیج فارس ائتلافی که او از بیان این مفهوم ساخته بود از هم پاشید^۲. در نظم جهانی مورد نظر طراحان، کشورهای مستقل به عنوان شرکت کننده در یک زنجیره از موسسات امنیتی- بین المللی و منطقه ای گرد هم می آیند که در مواجهه با تغییرات سریع آب و هوایی، فناوری و اجتماعی، بلا تکلیفی زیادی را تجربه می کند (Barcen, 2017: 37).

نتایج تحقیقات علمی نشان می دهد با وجود نقش روزافزون مفهوم جهانی شدن که ریشه در نظم نوین جهانی دارد مخارج نظامی در حال رشد است و این نشانگر تقویت احساسات ناسیونالیستی و نظامی گرا در بستر نظم جهانی می باشد. ضمن اینکه تغییر در شرایط سیاسی و اقتصادی-تجاری داخلی کشورها ممکن است مانع پیشرفت پروسه جهانی شدن شود که هزینه های

¹ Civil Society in the Fourth Industrial Revolution: Preparation and Response

2019 In collaboration with Pact, World Economic Forum, P3-24 <http://www3.weforum.org>

² Applebaum, Anne, New World Order America and the New Geopolitics, Brave DP5 HPLEBN0100 04-24-20 09:54:00 rev1 pp1-20

بالای نظامی جهانی شدن را به خطر می اندازد. البته افزایش تجارت چند جانبه در حال حاضر می تواند احتمال درگیری بین کشورها را افزایش دهد و بر این منوال که هزینه های پیشگیرانه ارتش یک کشور برای مهار این درگیری ها احتمال درگیری نظامی را در منطقه های مختلف جهانی افزایش می دهد (Irandoost, 2017:19).

۲-۲-۴. ساختارهای اقتصادی-تجاری در پروسه نظم نوین جهانی

دوره جهانی شدن مباحث اقتصادی جهت ایجاد نظامی جهانی پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. در این میان علل ساختاری اقتصادی و نظامی همراه با عوامل ائتلاف و نهادهای مداخله گر مورد توجه قرار می گیرند (Horowitz, 2004:43). مطالعات جهانی سازی به طور اساسی روی بازار یابی در حوزه های اقتصاد-تجارت، سیاست و فرهنگ متمرکز شده است (Youngs, 2009:4). نظم اقتصادی جهانی به عنوان ستونهای اصلی تجارت بین المللی می باشد که با بازارهای کاملاً باز و با سیستم بین المللی و مالکیت معنوی در ارتباط است. با توجه به تأثیرات جهانی سازی در بازار تجاری به دلیل از دست دادن شغل و یا جابجایی تولید در کشورهای در حال توسعه، فواید جهانی سازی برای اقتصادهای مدرن کشورهای صنعتی به راحتی قابل انتقال نیست (Straus, 2006:1-16).

در دنیای چند قطبی و تقسیم شده که از پیشرفت های هوش مصنوعی بهره می برد، اجماع نادر در بین رهبران دنیای تجارت ایجاد می شود. در حالی که رهبران مشاغل (صاحبان کارخانجات) چگونگی پاسخگویی به این چالش ها و تحول انتظارات از عملکرد و مسئولیت تجارت را در نظر می گیرند، آنها در حالی که با تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی ناشی از انقلاب چهارم صنعتی مواجه هستند پتانسیل آن را دارند که نابرابری را افزایش دهند و قدرت و منابع را در اختیار معدود افراد با هزینه زیاد قرار دهند و ثبات اجتماعی را زیر پا بگذارند و منجر به شکستگی های بیشتر در سیستمی شود که قبلاً تحت فشار بود. در عصر ارتباطات و رسانه، تحولات عمیق اجتماعی-فرهنگی می توانند موضوعات اقتصادی-تجاری را تحت تأثیر قرار دهند. فرض بر این است که رسانه ها با تکرار سوژه های تحریک کننده، برای آن عده معدود به شکل یک "خدمتگذار وفادار" عمل می کنند که می تواند به عنوان "طرفدار و تقویت کننده جنگ و تنش" رمزگذاری شوند (Goddard, 2010:8-30).

اگرچه پروسه نظم اقتصاد جهانی طی ۵۰ سال آینده تغییر قابل توجهی خواهد کرد اما بسیاری از اولویت ها و سیاست های موجود در پروتکل های اقتصادی-تجاری به احتمال زیاد تا سال ۲۰۶۰ معتبر باقی خواهند ماند. استانداردهای زندگی و امید به زندگی بویژه در اقتصادهای نوظهور احتمالاً بهبود می یابد و میلیارد ها نفر از فقر خارج می شوند. با این وجود کمبود منابع ادامه خواهد یافت و در بعضی از مناطق ممکن است فشار بیشتری بر بودجه عمومی و منابع غیر تجدید پذیر وارد شود. از سوی دیگر سیاستهایی که باعث افزایش بهره وری می شوند، از حقوق صاحبان سهام حمایت می کنند که منابع مالی عمومی را تضمین می کنند و از استفاده بیش از حد از منابع طبیعی دست می کشند اما نیاز به تقویت مؤسسات اقتصادی و سیاسی دارد.

همچنین در پروسه نظم اقتصادی نوین جهانی ادغام تجارت باعث می شود همکاری های بین المللی در مورد وضع مالیات بر انتشار گازهای گلخانه ای از اهمیت بیشتری برخوردار شوند همینطور محصولات و بازارهای انعطاف پذیر برای رشد مورد توجه قرار می گیرند. علاوه بر این آنها می توانند انگیزه های مهاجرت مرتبط با کار را بهبود بخشند و باعث کاهش شوک پیری در کشورهای مهاجر فرست شود (Braconier, 2014:63). البته چالش های دیگر نظیر تغییرات آب و هوا، بحران غذا و آب آشامیدنی، بحران های مالی-اقتصادی، فقر شدید، رشد شهرنشینی، کمبود آب، امنیت انرژی، مهاجرت معکوس، رشد جمعیت و بیماری های واگیردار و عفونی موانعی دیگر برای سر راه نظم نوین اقتصادی خواهند بود که تأثیرات جدی جهانی را در پی دارد (Gelsdorf, 2010:1-20). در سپتامبر سال ۲۰۱۵، دولت های جهان توافق نامه تاریخی را برای ریشه کن کردن فقر، بهبود سطح زندگی و رفاه همه مردم، ترویج صلح و جوامع فراگیرتر و کاهش تخریب محیط زیست را امضاء کردند. برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار متعهد شد توسعه را به صورت متوازن از نظر اقتصادی، اجتماعی و محیطی در همه کشورهای جهان ارتقا بخشد و

توجه ویژه ای را به کشورهای که فقیرترین یا محروم ترین آنها هستند، نماید. این برنامه شامل ۱۷ هدف توسعه پایدار با اهداف مرتبط برای ارزیابی پیشرفت است که به ویژه در مورد فقر درآمدی، دسترسی به آموزش و خدمات درمانی و منابع بهبود یافته آب سالم مورد استفاده قرار می گیرد (Dugarova, 2017: 1-10).

استقرار وضعیت که گفته شد زمانی دشوار می شود که منابع طبیعی به درستی مدیریت نشوند یا شرایط خارجی بدلیل تغییرات جهانی محیط زیست رو به وخامت می رود. به نظر می رسد جریان سرمایه و عدم تعادل بخشی از شکافهای مالی در هسته پولی جهانی در کشورهای توسعه یافته کلیدی است که پیش شرط بحران جهانی را فراهم می کند. شکی نیست که چنین بحران جهانی تأثیر شدیدی بر فعالیت اقتصادی، درآمد و اشتغال در سطح بین الملل داشته باشد. میراث این بحران برای طراحی سیاست های کوتاه مدت مناسب برای بهبود وضعیت جهانی، چالش های سختی را ایجاد می کند. مواضع رقابت نامتوازن پیش زمینه فشارهای مالی را فراهم می آورد که همچنان به شیوه بیمارگونه ای بخش هایی از جهان توسعه یافته امروز به ویژه در جهان غرب در می نوردد. در حالی که به طور مختصر در جریان بحران جهانی در حال کوچک شدن هستیم، عدم تعادل جهانی در جریان تجارت -اقتصاد از بین نرفته است و عدم تعادل جهانی نشانه ای از کاستی های موجود در مدیریت سیستماتیک است.^{۱۱}

۵- تحلیل و نتیجه گیری

بررسی تطبیقی و موضوعی از یافته های تحقیق نشان می دهد تلاش برای افزایش ثروت و سرمایه که با توسعه و رشد صنایع کوچک و ابتدائی شروع شد سهم بسزایی در شکل گیری انقلاب اول صنعتی داشت. این شیوه جدید خصوصیتی را برای برتری نژادی، فرهنگی ناشی از استثمار طبقه کارگر و کشاورز بوجود آورد که از طی قرنهای قبل نماینگر قدرت استعمارگری کهن بود. بی شک عملکرد یا چگونگی تسلط بر طبقات مختلف مردم نقش امپریالیستی صاحبان کارخانه و کمپانی ها را نسبت به حکمرانی دولتها برجسته تر کرد. صاحبان صنعت و تجارت در این دوران رقیب استراتژیک برای حاکمیت مرکزی به شمار می رفتند؛ چراکه امنیت تولید و توزیع کالا و خدمات همچنین تثبیت بازار را تضمین می کردند؛ از سوی دیگر نیروی های انسانی مستقر در کارگاهها و صنایع خرد و کلان به عنوان اکثریت جمعیت شهرها و روستاها را تحت نفوذ خود داشتند و به نوعی جریان مداخله گر برای اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی حکومتها به شمار می رفتند. شیوه های استعمار و یک جانبه گری و برتری جویی در تغییر روش و منش زندگی مردم و حتی سرنوشت آیندگان، چهارچوب ها و سازوکارهایی برای انسجام فکری در پوشش رفتار مثبت در جهت وحدت و پایداری همکاری ها تشکیل داد که از جایگاه قابل توجهی در فرایند تصمیم گیری های جهانی برخوردار بودند. نمودار زیر نشان دهنده مولفه های سیر تکوینی این رویداد مهم و موثر است.

¹- Sustainable development

²- Development and Globalization: Facts and Figures (2012) United Nations Conference on Trade And Development. Pp1-87



آنچه مسلم است اقتصاد و شبکه های بین المللی مالی-تجاری، اساس نظم جهانی را تشکیل می دهند و رهبران بانک های بین المللی که در بسیاری از مواقع صاحبان کمپانی های صنعتی و شرکت های چند ملیتی نیز هستند، برای ایجاد یک سلسله مجموعه امنیتی- نظارتی در جهت حفظ توزیع و پایداری قدرت خود، منابع و ذخایر تحت کنترل خود را در حوزه های تکنولوژی و فن آوری های اطلاعاتی- ارتباطاتی و توسعه صنعت ماهواره ای زیر چتر بالا بردن استاندارد و ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی بشریت تخصیص دادند. مدیریت در نظم جهانی همواره این است که کل جامعه و در نهایت کل جهان در کنترل نخبگان و رهبران بانک های بین المللی باشند و از طریق آنها نظم جهانی اجرا شود، چراکه آنها مالک اصلی دارایی و ثروت تمامی مردم جهان و همچنین ذخایر و منابع طبیعی کشورها هستند و دولتها در حکم نمایندگان بانکدارها ایفای نقش می کنند. بر این اساس بحران سیستمی و ریشه دار که ناشی از انباشت سرمایه به نفع صاحبان کارگاهها کوچک و کارخانجات صنعتی می شود توانست موج فراگیر خشونت های طبقاتی را حرکت جمعی بخشد.

رفتارهای رادیکالی ناشی از سیاستهای تبعیضی و ناعادلانه در جامعه نابرابر که پایبندی و تعهدی به بازی های دموکراتیک نداشت، رویکردی همگرایانه میان نیروهای سلطه طلب و استثمارکننده بوجود آورد تا تصمیم گیری مطمئنی برای ساماندهی سیاست های مشترک در خصوص تثبیت حضورشان، همچنین بهره برداری ویژه از شرایط موجود نمایند. در این راستا جهان تحت تاثیر اوج گیری رونق اقتصادی- تجاری- بازرگانی، موقعیت جدید پیدا کرد که زمینه را برای دگرگونی سرنوشت سیاسی ملت ها بر اساس سودجویی و منفعت طلبی صاحبان صنایع و تقویت ساختار نظام سرمایه داری فراهم نمود. این شکل از ظرفیت سازی برای تحمیل اراده بر ملتها، اساس و سرمنشاء مفهوم نظم نوین جهانی را تشکیل دادند. در حقیقت تحمیل اقتدارگرایی در حوضه های سیاسی و بخصوص اقتصادی و ناکارآمدی و یا فقدان شکل گیری تشکیلات ملت محوری مبتنی بر عناصر بومی و محلی بستر ساز پروسه نظم جهانی به شکل جدید و مدرن بوده است (طبق نمودار زیر)



ترسیم از نگارنده

اگرچه این شیوه مدیریتی یعنی برقراری نظم نوین جهانی برای کنترل بهتر بهره وری از منابع طبیعی و انسانی در سطح جهان تا حدودی توانست منافع اقلیتی را که ساختار نظام سرمایه داری و لیبرال ها را شکل می دادند، تامین کند اما چشم انداز روشنی را برای تامین ثبات و امنیت بین الملل نوید نمی داد. باید گفت که بیشتر سیاست های پیاده شده در این خصوص تلاشهای برای هماهنگ ساختن اقدامات نظارتی و اجرایی برای توسعه پایگاههای اقتصادی-تجاری-نظامی کشورهای صنعتی در مناطق مختلف جهان بود از این رو کمترین توجه و فرصت برای رشد منافع ملی-بومی کشورهای غیرصنعتی یا به اصطلاح کمتر توسعه یافته شد.

ماهیت نظم نوین جهانی مدنظر کمپانی های صنعتی - غربی که میزان سرمایه و پول جریان اصلی حمایت های معنوی و مادی را برای اکثریت مردم شکل می دهد و همچنین سیاستهای خصمانه منشعب از نظام سرمایه داری باعث شکل گیری نظام طبقاتی و شکاف های قومی- ملی که هرج و مرج و در نهایت سرکوب و فروپاشی فرهنگ ها از تبعات آن هست می شود؛ توانسته ائتلافهای ضد امنیتی را توسعه دهد که در غالب کشورها به شیوه سنتی با درگیری و خشونت فرقه ای و دگرگونی های سیاسی-اجتماعی همراه با برهم خوردگی محیط امنیتی منطقه ای می شود. تلاش برای پیاده سازی نظم نوین جهانی که از ابزارهای متنوع در حوضه های مختلف بخصوص اقتصادی-تجاری و فرهنگی-اجتماعی استفاده می کند تاثیر ویرانگری برای صلح و ثبات بین الملل داشته است(نمودار زیر)



ترسیم از نگارنده

با این تفاسیر از آنجایی که سیستم نظم نوین جهانی بر کسب حداکثر سود و بهره وری از ساختار تولید مبتنی بر رقابت نه همکاری بدون در نظر گرفتن شکاف های درآمدی قرار دارد و سیاست های مالی- پولی و ساختارهای صادراتی - وارداتی ناموزونی در این سیستم جریان دارد که تنها منافع کارفرمایان و سرمایه داران را در نظر می گیرد؛ برخلاف انتظارات طراحان و طرفداران آن قادر نیست برنامه های برای همگرایی جهانی از جهت تامین و توزیع ثبات در نظام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی

ارائه دهد و موجب برهم زدن تعادل قوا و فعال سازی جنبش های نژادپرستی، گروههای جدای طلب و سازمانهای افراط گرایی ملی-مذهبی شده و عملاً همکاری میان قدرتهای منطقه ای و جهانی را به سمت جنگ و خشونت های سازمان یافته متمایل می سازد(مطابق نمودار زیر). روی همین اصل مفهوم نظم نوین جهانی عقلانیت بکارگیری ابزار جنگ و خشونت را برای برتری جویی طبقاتی الزامی می کند و باعث شکنندگی و از میان رفتن صلح و امنیت جمعی می شود.



ترسیم از نگارنده

منابع

منابع فارسی

کتاب

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱) فلسفه و کارد ژئوپولیتیک مفاهیم و نظریه ها در عصر فضای مجازی، انتشارات سمت، ص ۲۷۲-۲۷۲

جزوه

عزتی، عزت اله (۱۳۹۱) جزوه کلاسی درس ژئواستراتژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

سایت

وریج کاظمی، مریم (۱۳۹۷) حکمروایی ژئوپولیتیک محیط زیستی، مرکز بین المللی مطالعات صلح. <http://peace-ipsc.org/fa/>

منابع انگلیسی

مقالات

Behringer, Wolfgang, (2006), Communications Revolutions: A Historiographical Concept , German History, Volume 24, Issue 3, July 2006, Pages 333-374, <https://doi.org/10.1191/0266355406gh3780a.pp3-24>

Breuer, Anita (2012) The Role of Social Media in Mobilizing Political Protest/ Evidence from the Tunisian Revolution, Deutsches Institut für Entwicklungs politik gmbH, Pp1-31, https://www.die-gdi.de/uploads/media/DP_10.2012.pdf

Bárčen, Alicia , Helen Clark, Ghida Fakhry (2017) Global governance for global citizens Global Challenges Foundation new frameworks, new ideas, Global Challenges Quarterly Report, Pp1-91 <https://globalchallenges.org/wp-content/uploads/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-September-2017.pdf>

Braconier , Henrik , Giuseppe Nicoletti , Ben Westmore, (2014) Policy challenges for the next 50 years, OECD ECO n O m i C Policy Pa Per July 2014 No. 9, Pp1-63 <https://www.oecd.org/economy/Policy-challenges-for-the-next-fifty-years.pdf>

Crafts, Nicholas, (2005), The First Industrial Revolution : Resolving The Slow Growth , Rapid Industrialization Paradox, pp1-24/ https://www.bancaditalia.it/pubblicazioni/altri-atti-seminari/2005/CRAFTS_22_03_2005.pdf

Cordy, Jane (2017), The Social Media Revolution : Political And Security Implications , Sub-Committee on Democratic Governance, 158 C D S D G 17 E b i s, Pp1-20, <https://www.nato-pa.int/download-file?filename=sites/>

Dugarova, Esuna, Gülasan, Nergis (2017), Global Trends Challenges and Opportunities in the Implementation of the Sustainable Development Goals, United Nations Development Programme and United Nations Research Institute for Social Development, pp1-10, https://www.undp.org/content/dam/undp/library/SDGs/English/Global%20Trends_UNDP%20and%20UNRISD_FINAL.pdf

Gelsdorf, Kirsten (2010) Global Challenges and their Impact on International Humanitarian Action, OCHA Occasional Policy Briefing Series, Pp1-20 <https://www.unocha.org/sites/unocha/files/Global%20challenges%20and%20their%20impact%20on%20international%20humanitarian%20action.pdf>

Goddard, Peter, Robinson, Piers, Parry Katy (2010) Media, War & Conflict, Patriotism meets plurality: reporting the 2003 Iraq War in the British press, Vol. 1(1): 9–30 DOI: 10.1177/175063520708762, pp8-30 <https://pdfs.semanticscholar.org/db68/68e8e0cad46241f04e1c374e77594241a6c2.pdf>

Horowitz, Shale (2004) Restarting Globalization after World War II: Structure, Coalitions, and the Cold War, <https://doi.org/10.1177/0010414003260980> <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0010414003260980?journalCode=cpsa>

Irandoost, Manuchehr (2017) Militarism and globalization: Is there an empirical link? DOI 10.1007/s11135-017-0525-4, pp1-22/ <https://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:1121449/FULLTEXT01.pdf>

- Kaplan, Andreas M. (2015) Social Media, the Digital Revolution, and the Business of Media, *International Journal on Media Management*, 17:4, 197-199, DOI: 10.1080/14241277.2015.1120014: <https://doi.org/10.1080/14241277.2015.1120014>
- Mohajan, Haradhan Kumar, (2019), The First Industrial Revolution: Creation of a New Global Human Era, *Journal of Social Sciences and Humanities*, Vol. 5, No. 4, 2019, pp. 377-387, ISSN: 2381-7763 (Print); ISSN: 2381-7771 (Online), <http://www.aiscience.org/journal/jssh>
- Mishra, Kaveri Devi (2017) Social media revolution - The new digital frontiers of Journalism, *Journal of Advances In Humanities*, Vol 5, ISSN 2349-4379, DOI: 10.24297/jah.v5i1.6068, PP 610-617, <http://cirworld.com/>
- Min Xu, Jeanne M. David & Suk Hi Kim (2018), The Fourth Industrial Revolution: Opportunities and Challenges, pp 90-95, *International Journal of Financial Research* Vol. 9, No. 2; doi: 10.5430/ijfr.v9n2p90 URL: <https://doi.org/10.5430/ijfr.v9n2p90>
- Rogers, Everett M. (1985) *The Media Revolution in America and in Western Europe, Volume II in the Paris—Stanford Serie*, Stanford University Francis Balle Université de Paris I, Ablex Publishing Corporation, <https://epub.ub.uni-muenchen.de/6704/1/6704.pdf>
- Robinson, Piers (2019) War and media since 9/11, in *European Journal of Communication*, DOI: 10.1177/0267323119875251, *Media in War and Armed Conflict: The Dynamics of Conflict*, ISBN: 9781138051621, pp 557-563, <https://www.researchgate.net/publication/335869383>
- Ramos, Miguel, Hewstone, Miles, Barreto, Manuela, Branscombe, Nyla R (2016), The opportunities and challenges of diversity: Explaining its impact on individuals and groups, Pp 2-45, *European Journal of Social Psychology* 46(7), DOI: 10.1002/ejsp.2261
- Straus, Joseph (2006) The Impact of the new world order on economic development: the role of the intellectual property rights system, the John Marshall review of intellectual property law, pp 1-16, <https://core.ac.uk/download/pdf/217187739.pdf>
- Sanyaolu, Paul, C.O., Sanyaolu, O. Oni (2017) The Importance Of Media In Politics, DOI: 10.13140/RG.2.2.33223.60322 <https://www.researchgate.net/publication/319629909>
- Utschig, Tris, (2001), The communication revolution and its effects on 21st century engineering education, Conference: *Frontiers in Education Conference*, 2001. 31st Annual, Volume: 3, 31th ASEE/IEEE Frontiers in Education Conference, S1B-19
- Vries Peer, (2008), The Industrial Revolution, *Encyclopaedia of the Modern World* Volume 4, 158-161., Publisher: Oxford University Press 2008, pp. 158-161, <https://www.researchgate.net/publication/282572543>
- Youngs, Gillian, Heather, Widdows (2009) Globalization, Ethics, and the 'War on Terror', pp 1-6, <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14747730802692377?journalCode=rglo20>

- 2019 In collaboration with Pact, World Economic Forum, Pp3-24
http://www3.weforum.org/docs/WEF_Civil_Society_in_the_Fourth_Industrial_Revolution_Response_and_Innovation.pdf
- Applebaum, Anne, New World Order America and the New Geopolitics, Brave DP5 HPLEBN0100 04-24-2019: 09:54:00 rev1 pp1-20
https://www.hoover.org/sites/default/files/uploads/documents/0817939024_1.pdf
- Bkgr, Dennis, The Industrial Revolution and Its Impact on European Society, CHAPTER 20, <https://webpages.cs.luc.edu/~dennis/106/106-Bkgr/20-Industrial-Rev.pdf>, pp608-582
- Bratic, Vladimir: Examining peace-oriented media in areas of violent conflict
https://www.sfcg.org/Documents/DME/bratic_peace_oriented_media.pdf
- Bonciu, Florin (2019) Impact of the 4th Industrial Revolution on the World Order, omanian Journal of European Affairs, Pp51-62/https://www.researchgate.net/publication/337674495_
- Development and Globalization: Facts and Figures (2012) United Nations Conference on Trade And Development.. Pp1-87
- Khomko, Marta Maria (2015) Fueling the Revolution: Social Media's effect on Societal Revolutions, Instituto Universitário de Lisboa, pp1-108, <https://repositorio.iscte-iul.pt/bitstream/10071/11198/1/Dissertation%20pdf.pdf>
- Leonardi, Paul M (2017) The Social Media Revolution: Sharing and Learning in the Age of Leaky Knowledge, University of California, Santa Barbara, Vol. 27(1), pp47-59, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2993873>
- Putten, Jim Vander (2001) Bringing Social Class to the Diversity Challenge, pp17-23, https://www.researchgate.net/publication/228215590_Bringing_Social_Class_to_the_Diversity_Challenge
- Peck, Art, Halprin, Matt, Matthesen, Steve (2001) Opportunities for Action in Technology and Communications The Digital-Media Revolution, The Boston Consulting Group, Pp1-10, <https://www.bcg.com/documents/file13722.pdf>
- Realizing Human Potential in the Fourth Industrial Revolution An Agenda for Leaders to Shape the Future of Education, Gender and Work, 2017, pp3-38/http://www3.weforum.org/docs/WEF_EGW_Whitepaper.pdf
- The Industrial Revolution Economic effects/<https://www.britannica.com/topic/history-of-Europe/Social-upheaval>
- The Industrial Revolution in the United States,
http://www.loc.gov/teachers/classroommaterials/primarysourcesets/industrial-revolution/teacher_guide.pdf,pp1-7